

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نکاتی پیامون آیه تبلیغ

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»
سوره مائده/آیه ۶۷

ای پیامبر! آنچه را از طرف پروردگارت به تو نازل شده، به مردم ابلاغ کن، و اگر انجام ندهی، رسالت او را به انجام نرسانده‌ای و خدا تو را از مردم حفظ می‌کند. خداوند مردمان کافر را هدایت نمی‌کند.

این آیه نکاتی دارد:

۱. عبارت (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ) که در قرآن دو بار بیشتر نیامده، بیانگر آن است که آنچه پیامبر وظیفه دارد آن را به گوش مردم برساند امر مهمی است که مربوط به رسالت اوست و او چون رسول است باید آن را اعلام کند.

۲. کلمه (بَلِّغْ) یعنی با جدیت و اهتمام تمام آن را ابلاغ کن و به گوش مردم برسان تا کسی بعداً نگوید این مطلب به ما نرسید.

۳. (مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) یعنی مردم بدانند آنچه پیامبر می‌گوید از جانب خودش نیست، از طرف خداست، خدایی که صاحب اختیار همه است.

۴. (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ) یعنی ابلاغ این موضوع به شکل عملی و در قالب یک مراسم باشد. زیرا قرآن به جای آن که بفرماید: (بَلِّغْ ... وَإِنْ لَمْ تَبَلِّغْ = بگو ... و اگر نگویی)، می‌فرماید: (بَلِّغْ ... وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ = بگو ... و اگر انجام ندهی)، یعنی ابلاغ زبانی کافی نیست، بلکه ابلاغ فعلی لازم است، باید یک مراسمی باشد و در این مراسم، آنچه را خدا گفته، به مردم اعلام کنی.

۵. عبارت (فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ) یعنی آنچه باید به مردم ابلاغ کنی، هموزن رسالت توست، به گونه‌ای که اگر آن را به مردم نرسانی، گویا اصل رسالت پروردگار را به انجام نرسانده‌ای و زحمات بیست و سه سالهات به هدر می‌رود.

۶. جمله (وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) نیز بیان می‌دارد که پیامبر از ابلاغ این امر مهم ترس و هراس نداشته است و لذا خداوند وعده می‌دهد او را از شرّ مردم حفظ کند. البته روشن است پیامبر اسلام از اینکه جان خود را در راه خدا فدا کند، هراسی نداشته است و لذا در تمام جنگ‌ها در صف مقدّم جبهه حضور داشت، بلکه این امر به گونه‌ای بود که پیامبر احتمال می‌داد برخی از مردم آن را نپذیرند و موجب فتنه و درگیری میان مسلمانان گردد که بیش از آنکه به جان پیامبر ضرر رساند، به مکتب او ضربه وارد سازد و لذا ادامه آیه می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ لَيَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) یعنی خداوند اجازه نمی‌دهد کسانی این امر مهم را انکار می‌کنند، به هدفشان برسند و تهدیدی برای تو و برنامه‌های تو باشند.

در اینجا سه سؤال مطرح است:

۱. این امر مهم چه چیزی بود که پیامبر تا سال آخر عمرش بیان نکرده بود؟
۲. چه امری بود که اگر پیامبر آن را نمی‌گفت، زحمات ۲۳ ساله‌اش به هدر می‌رفت؟
۳. چه امری بود که پیامبر از گفتنش هراس داشت؟

این مطلب هر چه باشد، جزء دین است، اما از اصول دین یا فروع دین؟ تک تک آنها را بررسی می‌کنیم تا به نتیجه برسیم.

اصول دین، توحید است و نبوت و معاد. آیا می‌شود گفت که در این ۲۳ سال، پیامبر ﷺ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را به مردم یاد نداده بود؟! اولین کلمه‌ای که به مردم آموخت، این بود: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا». پس این امر مهم توحید نیست. قطعاً نبوت هم نیست، زیرا معنا ندارد کسی که حدود دو ماه دیگر رحلت می‌کند، بگوید: مردم! من پیامبرم! آیا تا آن زمان به مردم نگفته بود: من پیامبرم!

راجع به معاد هم، پیامبر از همان روزهای اول بعثت مردم را از دوزخ هشدار می‌داد و تمام سوره‌های مکی خبر از معاد می‌دهند. پس آنچه پیامبر باید در آخر عمرش اعلام کند، وقوع قیامت نیست.

اما فروع دین: آیا پیامبر ﷺ تا دو ماه مانده به رحلتش از نماز نگفته بود؟! و یا آن حاجیان که از مکه برمی گشتند تارک الصلاة بودند؟! قطعاً آن مطلب نماز نبود. روزه، جهاد، خمس و زکات هم، هشت سال قبل، یعنی سال دوم هجری قانون آنها صادر شده بود. حج هم مراد نیست، زیرا آنها از مکه برمی گشتند. امر به معروف و نهی از منکر نیز بارها در دیگر آیات قرآنی مطرح و بر لزوم آن تاکید شده بود. علاوه بر آن که پیامبر از بیان این امور هراسی نداشت و آن روزی که تنها بود و با بتها و بت پرستان مبارزه می کرد نترسید، حالا که بین این همه یار و مرید است، بترسد؟

سؤال: با این اوصاف، آن چیست که پیامبر ﷺ تا اواخر عمرش نگفته بود، توحید و معاد و نماز و روزه هم نیست، اگر آن چیز باشد، توحید هست، نبوت هست، نماز هست، جهاد هست، امر به معروف و نهی از منکر هست، و اگر نباشد، باقی چیزها هم نیست؟

پاسخ: باید بگوئیم آن امر، امامت است. چون اگر امام معصوم بود، توحید زنده است و گرنه به جای خدا طاغوت حاکم می شود. اگر رهبر معصوم بود، اهداف نبوت دنبال می شود و اگر رهبر معصوم بود، معارف معاد بیان می شود.

دفتر مطالعات، پژوهشها و ارتباطات حوزوی

مرکز رسیدگی به امور مساجد